



تحلیل نگرش زنان روستایی شهرستان زابل نسبت به عضویت در صندوق‌های اعتبارات

خرد روستایی

غلامعباس ملاشاهی^{۱*}، حسین یادآور^۲

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته توسعه روستایی دانشگاه تبریز، ^۲ استادیار گروه ترویج و توسعه روستایی دانشکده کشاورزی

چکیده

امروزه کشورهای مختلف از جمله ایران جهت بهبود شرایط زنان جامعه اعم از شهری و روستایی، راهبردهای گوناگونی را به اجرا درآورده‌اند. یکی از این راهبردها تخصیص اعتبارات مالی بویژه در جوامع روستایی می‌باشد. بدین منظور ایجاد صندوق اعتبارات خرد از جمله برنامه‌های تأمین مالی برای زنان روستایی محسوب می‌شود که از سال 1379 تاکنون در دستور کار دفتر زنان روستایی و عشایر وزارت جهاد کشاورزی قرار گرفته است. هدف تحقیق حاضر بررسی نگرش زنان روستایی شهرستان زابل نسبت به عضویت در صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی می‌باشد. این تحقیق از نوع پیمایشی و توصیفی-همبستگی بوده که جامعه آماری آن تعداد 275 زن روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد موجود در روستاهای شهرستان زابل بودند که از این تعداد 135 نفر با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بعنوان نمونه آماری انتخاب شدند. روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه تحقیق توسط کارشناسان امور زنان جهاد کشاورزی شهرستان زابل مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS 19 برابر با 0/85 بدست آمد. نتیجه این تحقیق نشان داد که 59/3 درصد زنان روستایی مورد مطالعه، نگرش مثبتی نسبت به عضویت در صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی داشتند. علاوه بر این مشخص شد که از بین عوامل مختلف، تحصیلات همسران عضو صندوق‌ها، تعداد دفعات دریافت وام از صندوق، مدت زمان عضویت در صندوق و نوع عضویت در صندوق با نگرش زنان روستایی نسبت به عضویت در این صندوق‌ها رابطه مثبت و معنی‌دار دیده شد و بین سن زنان عضو و تحصیلات آنان با نگرش زنان رابطه منفی و معنی‌داری ملاحظه گردید.

واژه های کلیدی: اعتبارات خرد، شهرستان زابل، زنان روستایی، صندوق اعتبارات خرد، نگرش.

مقدمه

جهت نیل به توسعه پایدار روستایی، لازم است زمینه‌های مناسب برای رشد و تعالی کلیه روستائیان، اعم از زن و مرد از طریق مشارکت همه‌جانبه در امور مربوط به خودشان فراهم گردد. در این بین توجه به زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. صاحب نظران بر این اعتقادند که، توسعه انسانی پایدار جز از رهگذر برقراری مساوات و برابری بین جنسیت ناممکن است و تا زمانی که زنان در خارج از گردونه توسعه قرار داشته باشند توسعه همچنان دست نیافتنی باقی خواهد ماند. لذا از سال 1990 زنان به عنوان



عامل کلیدی توسعه پایدار مطرح شدند و سیاست توانمندسازی زنان، توسط خانم « سارا لانگوی¹» کارشناس توسعه زیمباوه مطرح و بوسیله صندوق کودکان سازمان ملل متحد برای تعالی زنان بکار گرفته شد (مریدسادات و همکاران، 1386). با توجه به اینکه نیمی از جمعیت جهان، زنان هستند، برای دستیابی به توسعه ضروری است تا زنان مانند مردان در فرآیند توسعه مشارکت کرده و بطور کامل از نتایج آن بهره جویند. ولی متأسفانه از بسیاری جهات در فرآیند توسعه زنان مورد غفلت قرار گرفته‌اند و به آنها توجهی درخور نشده است (الوانی و ضرغامی‌فرد، 1380). بیشتر زنان روستایی در کشورهای درحال توسعه بعنوان عناصر حاشیه‌ای و غیر فعال شمرده می‌شوند. این در حالی است که زنان روستایی مزدی در مقابل کارشان دریافت نمی‌کنند. آنان به تدریج از فعالیت‌های توسعه‌ای همچون سوادآموزی، آموزش مهارت‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد و ارتباط با بازار کار محروم می‌شوند و در نتیجه بعلت عدم دریافت دستمزد، حقیر و پست بشمار می‌آیند که این امر می‌تواند پیامدهای منفی و مخرب پیش‌بینی نشده برای کل ساختار جامعه داشته باشد (علیایی و همکاران، 1388).

تمامی محققان و نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی و توسعه، در اینکه زنان روستایی نیز باید مانند مردان به نیروهای توانا مبدل شوند، اتفاق نظر دارند، در حالی که آنچه موجب بروز برخی تفاوت‌ها بین عقاید اندیشمندان می‌گردد چگونگی تجهیز و توانا ساختن زنان است، اما در این خصوص اختلافات موجود تنها در اولویت‌بندی عوامل لازم جهت توانا ساختن زنان مطرح می‌باشد. در عین حال با توجه به اینکه شکل فعالیت‌ها در نواحی روستایی اغلب بصورت بهره‌برداری خانوادگی صورت می‌گیرد و بخش مهمی از زنان روستایی در قسمت کشاورزی و زیر مجموعه‌های آن فعال می‌باشند، لذا به نظر تئودور شانین، زنان در اقتصاد خانواده نقش مهمی به عهده دارند (ازکیا، 1387). بر اساس گزارش‌های بانک جهانی تجارب سازمان‌های دست‌اندرکار در زمینه بهبود جایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان به ویژه در مناطق روستایی حاکی از آن است که مشارکت زنان روستایی در زمینه‌های اقتصادی پیش‌نیاز توانمندسازی و مشارکت همه‌جانبه آنها در برنامه‌های توسعه است. در جامعه امروز ایران، زنان نشان داده‌اند که توانایی‌ها و قابلیت‌های بالقوه فراوانی دارند و تحت شرایط مناسب می‌توانند مشارکت مؤثری در توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی کشور داشته باشند (رستمی، 1385).

در این خصوص در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای رفع موانع مشارکت عملی زنان در توسعه اتخاذ شده است، توانمندسازی² زنان یکی از همین راهبردهاست که به مفهوم بهره‌مندی صرف زنان از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نیست، بلکه مستلزم مشارکت فعال آنها در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه است (طالب و نجفی اصل، 1386). در این رابطه از رویکردهای مهم برای رفع فقر و توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی موضوع اعتبارات خرد³ می‌باشد. در همین رابطه در حال حاضر در کشور ایران نیز طرح ایجاد صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی نیز از سوی وزارت جهاد کشاورزی در برخی مناطق روستایی اجرا شده است. لذا پرسش اساسی این است که نگرش زنان روستایی نسبت به عضویت در صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی چگونه است؟ همچنین چه عواملی در نگرش آنها نسبت به عضویت در این صندوق‌ها مؤثر می‌باشد؟

بیان مسئله و اهمیت موضوع

از آنجا که زنان روستایی گروه‌های محروم و فراموش شده‌ای هستند، به توجه ویژه‌ای نیازمندند، به جهت حمایت از این قشر محروم در بسیاری از کشورهای جهان پروژه‌های گوناگونی اجرا شده است که از جمله آنها می‌توان به پرداخت تسهیلاتی تحت عنوان اعتبارات خرد اشاره کرد. اعتبارات خرد بعنوان راهکاری برای فائق آمدن بر فقر در مورد گروه‌های در حاشیه قرار گرفته می‌باشد. این اعتبارات بعنوان یک گزینه می‌تواند سرمایه لازم برای زنان را ایجاد کند و عاملی برای حمایت از واحدهای کوچک بهره‌برداری، ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان روستایی، جلوگیری از مهاجرت روستائیان و نهایتاً تعمیم عدالت اجتماعی باشد

¹ - Sarah Langvy

² - Empowerment

³ - micro credit



(یعقوبی، 1384). تحقیقات انجام شده نشان داده است که در برخی مناطق این اعتبارات باعث عدم بهبود وضعیت دریافت-کنندگان، در برخی موارد بی تأثیر و در اغلب موارد نیز نقش این اعتبارات مثبت ارزیابی شده است که از آن جمله می توان به چندین مورد اشاره کرد: تحقیقی که توسط هولم و موسلی¹ (1996) در اندونزی، هند و سریلانکا انجام گرفت بیانگر آن است که رشد درآمد دریافت کنندگان اعتبارات خرد از رشد درآمد کسانی که این اعتبارات را دریافت نکرده اند بیشتر بوده است. پیت و خاندکر² (1998) نیز با تحقیقی که در این زمینه در بنگلادش داشتند به نقش مثبت اعتبارات خرد بر روی مخارج هفتگی و دارایی زنان فاقد زمین اشاره کرده اند. دان و آربوکل³ (2001) نشان دادند که استفاده کنندگان از اعتبارات خرد در پرو نسبت به سایر کسانی که از این اعتبارات استفاده نکرده اند همواره از وضعیت اشتغال، دارایی و درآمد بهتری برخوردار بوده اند. در تحقیقی مشابه چن و اسنوگراس⁴ (2001) به تأثیر و مثبت این وامها در هند اشاره کرده اند.

همچنین در تحقیقی رکن الدین افتخاری و عینالی (1384) به ارزیابی اعتبارات خرد بانک کشاورزی بعنوان مهم ترین تأمین کننده اعتبارات روستایی در توسعه اقتصادی روستاهای شهرستان خداآبند پرداختند که نتایج حاصل نشان داد، اعتبارات روستایی این بانک توانسته است در توسعه اقتصادی روستاییان به عنوان یکی از ابعاد اصلی توسعه روستایی، نقش مهمی ایفا کند. در مطالعه دیگری فعالیت و خارقانی (1388) با استفاده از مدل های پروبیت و توبیت، تأثیر اعتبارات خرد را با توجه به عواملی نظیر جنسیت، بخش اقتصادی و محل سکونت مورد ارزیابی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که اعتبارات خرد بر روی ایجاد اشتغال با دستمزد و حقوق بی تأثیر است و بر ایجاد اشتغال بدون دستمزد و حقوق تأثیر بسیار اندکی دارد. همچنین برپایه نظرات کارنر این اعتبارات از سه طریق می تواند بر تولید تأثیر بگذارد:

الف) اعتبار موجب رفع محرومیت مالی شده و به تولیدکننده اجازه می دهد تا نهاده ها را به میزان مناسب خریداری نماید و این امر منجر به افزایش کارایی تخصصی می گردد.

ب) اعتبار موجب خرید امکانات تکنولوژیکی می شود و عبارت دیگر کارایی تکنیکی را افزایش می دهد.

ج) اعتبار امکان استفاده بهتر از نهاده های ثابت را فراهم، و از این رو باعث افزایش تولید می گردد (نادری مهدی، 1381).

با توجه به اینکه زنان نقش بسزایی در فرآیند تولیدات روستایی دارند، ضروری است که به طرق مختلف از جمله با راه اندازی صندوق های اعتبارات خرد امکان و احساس ایجاد تعلق در جامعه، حداقل در اجتماع اعضاء صندوق به عنوان یک گروه جامعه روستایی، بوجود آید. قطعاً می توان گفت حصول موفقیت های پی در پی این صندوق ها امکان حضور و مشارکت زنان روستایی را در جوامع بزرگتر فراهم خواهد آورد (کوشکی و همکاران، 1390). از طرفی تعیین نخستین دهه سازمان ملل (1997-2006) برای فقرزدایی، نقش اعتبارات خرد در کاهش فقر و توسعه روستایی و عنایت به اهداف توسعه هزاره و تعیین سال 2005 بعنوان سال اعتبارات خرد همگی حاکی از اهمیت فراوانی است که اعتبارات خرد در این رابطه می تواند داشته باشد (FAO, 2006).

از این رو افزایش و بهبود مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی، از عمده ترین اهداف بسیاری از سازمان های دولتی از جمله دفتر مشارکت و امور زنان وزارت جهاد کشاورزی در قالب ارائه طرح هایی چون طرح صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی می باشد. پژوهش حاضر با هدف کلی بررسی نگرش زنان روستایی نسبت به عضویت در صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی در شهرستان زابل، به دنبال دستیابی به اهداف اختصاصی زیر است:

- 1- بررسی ویژگی های فردی و حرفه ای زنان روستایی عضو مورد مطالعه.
- 2- تعیین سطوح مختلف نگرش زنان روستایی در عضویت صندوق های اعتباری خرد.
- 3- شناسایی عوامل مؤثر بر نگرش زنان روستایی نسبت به عضویت آنان در صندوق های اعتباری خرد.

¹- Hulme, D, and Mosley, P.

²- Pitt, M.M. and Khandker, S.

³- Dunn, E. and Arbuckle, J.G.

⁴- Chen, M.A. and Snodgrass, D.



پیشینه تحقیق

معظمی و همکاران (1384)، صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی کل کشور را که توسط وزارت جهاد کشاورزی اجرا گردیده است مورد مطالعه قرار داده‌اند که بطور کلی مطالعات میدانی این تحقیق نشان می‌دهد برنامه موفقیت‌هایی در زمینه افزایش دسترسی زنان کم درآمد روستایی به وام داشته است و در مقایسه با برنامه‌های دیگر در سطح بین‌المللی، به لحاظ پایداری، عملکرد متوسطی داشته است. عملکرد این صندوق‌ها در زمینه ایجاد اشتغال درآمدزا و پاره‌وقت موفقیت آمیز بوده است و باعث افزایش دارایی‌های خانوار شده است. یعقوبی (1384) در تحقیق خود اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان را بررسی کرده است که نتایج نشان داد اعتبارات خرد پرداخت شده در زمینه اشتغال بیشترین تأثیر را در تثبیت شغل قبلی زنان دریافت کننده وام داشته است، همچنین نتایج نشان داد که این اعتبارات بیشترین تأثیر را در زمینه بالا بردن اعتماد گروهی در بین زنان داشته است. پنج موردی که به بیان پاسخ‌دهندگان، وام‌های دریافتی تأثیر زیادی در آنها داشته به ترتیب عبارت بودند از: ایجاد احساس قوی انجام کار، افزایش مهارت مدیریت زندگی، افزایش اعتماد بنفس، آگاه‌سازی زنان از توانایی‌های بالقوه خود و بهبود منزلت زنان در خانواده بوده است. همچنین در تحقیقی علاءالدینی و جلالی موسوی (1389)، به ارزیابی اثربخشی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ایران با روش‌های کمی و کیفی پرداختند، نتایج بررسی نشان داد که تغییری در شاخص‌های درآمد، دارایی و هزینه خوراک و پوشاک خانوارهای عضو صندوق ایجاد نشده، اما شاخص تنوع منابع درآمدی خانوار بهبود یافته است. همچنین برنامه فقط زمانی به توانمندسازی زنان منجر شده است که زنان عضو، خود بر نحوه مصرف وام کنترل داشتند. رحمانی و همکاران (1389)، در پژوهشی نقش صندوق‌های اعتبارات خرد در مرحله بازسازی آثار بحران در سه سال پس از زلزله سال 1382 بم، در روستای پشت‌رود بم رامشخص نمودند که با واگذاری اعتبارات خرد به زنان، از مخاطرات مالی خانوارها کاسته شده و با حضور زنان در قالب گروه‌های داوطلب، این شبکه خرده‌وام‌دهی به صورت مرکزی برای تجمع زنان و تبادل نظرات و عقاید و نیز همدلی آنها درآمده و از این رهگذر، به بازسازی شبکه‌های اجتماعی و همسایگی تخریب شده در جریان زلزله یاری رسانده است.

در تحقیقی دیگر که فقیری (1390) با روش علی-مقایسه‌ای بر روی زنان روستایی عضو صندوق‌های خرد و زنان غیر عضو جهت بررسی اثربخشی صندوق‌های اعتباری خرد در توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی زنان روستایی استان کرمانشاه انجام داد مشخص نمود که زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی در سطح بالاتری از توانمندی نسبت به زنان غیر عضو قرار دارند. همچنین در تحقیقی کردی (1385) به شناسایی عوامل مؤثر بر نگرش زنان به مشارکت اجتماعی در استان گلستان پرداخت. نتایج نشان داد که اگرچه با توجه به نوع مشارکت (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) نگرش زنان متفاوت است، بطور کلی بیشتر زنان نگرش موافق با مشارکت اجتماعی دارند. همچنین مشخص گردید که در نگرش زنان به مشارکت میزان تحصیلات نقش اساسی دارد و محل سکونت، سن، شغل مادر و قومیت در مراتب بعدی قرار گرفتند. ضرایب تحلیل مسیر نشان می‌دهد که سواد با تأثیرپذیری از سن و محل سکونت مناسب‌ترین تبیین‌کننده متغیر نگرش مشارکت سیاسی زنان است. موحد و همکاران (1384) به بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر نگرش زنان نسبت به نابرابریهای جنسیتی پرداختند و مشخص نمودند که رابطه معنی‌داری بین متغیرهای میزان تحصیلات زنان، وضعیت اشتغال، نوع شغل زنان، میزان تحصیلات پدر و مادر، وضعیت اشتغال مادر، تحصیلات شوهر و نوع شغل و درآمد شوهر و درآمد والدین با نگرش زنان وجود دارد. آقااحمدی و میرمحمدی (1387) در تحقیقی به تحلیل جامعه‌شناختی از نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی در شهرستان‌های نوشهر و چالوس پرداختند و به این نتیجه رسیدند که نگرش زنان در شهرستان نوشهر چالوس نسبت به مالکیت شخصی در حد بسیار بالایی است. متغیرهایی چون احساس امنیت در زندگی خانوادگی و اجتماعی، میزان اقتدار، نوع ارزیابی از مالکیت شخصی، سطح تحصیلات و موقعیت خانوادگی و شغلی در اخذ نمره بالای نگرش مؤثر بوده‌اند.

همانگونه که از تحقیقات فوق برمی‌آید، تاکنون پژوهشی در مورد بررسی نگرش زنان روستایی در مورد صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی و یا نگرش آنان نسبت به عضویت در این صندوق‌ها صورت نگرفته است که در این تحقیق علاوه بر سنجش نگرش زنان روستایی نسبت به عضویت در این صندوق‌ها به بررسی عواملی که نگرش آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد نیز پرداخته شده است.



روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است که برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از روش پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق را کلیه زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی در شهرستان زابل تشکیل دادند که در برخی از روستاهای این شهرستان فعالیت داشتند و تعداد این افراد 275 زن روستایی بود. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که بر اساس این فرمول، حجم نمونه 135 نفر تعیین گردید که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب افراد از بین صندوق‌ها انتخاب شدند. ابزار تحقیق نیز پرسشنامه‌ای محقق-ساخت بود که در اختیار افراد مورد نمونه قرار گرفت و پس از تکمیل، تجزیه و تحلیل شد. نگرش زنان نسبت به عضویت در صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی با استفاده از طیف لیکرت (1: کاملاً مخالفم تا 5: کاملاً موافقم) مورد سنجش قرار گرفت. متغیر وابسته تحقیق، نگرش زنان روستایی به عضویت در صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی بود و متغیرهای مستقل را ویژگی‌های فردی، حرفه‌ای و مهارتی شامل: سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل همسر، سطح تحصیلات همسر، تعداد اعضای خانوار، مدت عضویت و نوع عضویت، سرمایه اولیه، تعداد دریافت وام و نوع مصرف وام، تعداد شرکت در جلسات صندوق و میزان شرکت در کلاسهای آموزشی برگزار شده از سوی صندوق تشکیل می داد. روایی محتوایی ابزار تحقیق با استفاده از نظرات جمعی از متخصصان بخش امور زنان مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان زابل پس از چند مرحله اصلاح و بازنگری مورد تأیید قرار گرفت و اعتبار پرسشنامه نیز با انجام آزمون پیشاهنگ تعیین شد. برای انجام این کار تعداد 20 پرسشنامه در جامعه‌ای مشابه با قلمرو جغرافیایی تحقیق تکمیل گردید و سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه 19 مقدار آلفای کرونباخ برای سوالات سنجش نگرش برابر با 0/85 بدست آمد. جهت توصیف پراکندگی نگرش افراد، با توجه به اینکه پاسخ‌ها در دامنه بین یک (کاملاً مخالفم) و پنج (کاملاً موافقم) قرار داشتند میزان نگرش با استفاده از فرمول ISDM¹ به شرح زیر به چهار طبقه تقسیم شد که یافته‌های بدست آمده در قسمت نتایج تحقیق آورده شده است.

$$\begin{array}{ll}
 A \leq \text{Mean} - \text{Sd} & \text{نگرش منفی} = A \\
 \text{Mean} - \text{Sd} \leq B \leq \text{Mean} & \text{نگرش نسبتاً منفی} = B \\
 \text{Mean} \leq C \leq \text{Mean} + \text{Sd} & \text{نگرش نسبتاً مثبت} = C \\
 \text{Mean} + \text{Sd} \leq D & \text{نگرش مثبت} = D
 \end{array}$$

نتایج

ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای زنان

یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که میانگین سنی افراد حدود 35 سال با انحراف معیار 1/16 می‌باشد. کمتر از یک سوم زنان (75 درصد) در گروه سنی کمتر از 40 سال و مابقی بالای 40 سال قرار داشتند. بر اساس میزان تحصیلات 18 درصد افراد مورد مطالعه دارای تحصیلات دانشگاهی بودند، 22 درصد در سطح دیپلم، 28 درصد در حد زیردیپلم و 32 درصد بیسواد و کم سواد (در حد خواندن و نوشتن) بودند. میانگین اعضای خانوار زنان عضو برابر با 3/8 نفر بود. حدود 18 نفر یعنی 13 درصد از زنان خود سرپرست خانوار بودند. اکثر زنان عضو این صندوق‌ها بیش از 3 سال سابقه عضویت داشتند و تنها 20 نفر آنها مدیر عامل یا عضو هیأت مدیره بودند و مابقی (85 درصد) از اعضای عادی صندوق‌های اعتبارات زنان روستایی بودند. حدود 51 درصد زنان مورد مطالعه تاکنون وامی از صندوق دریافت نکرده بودند. 25 درصد یکبار وام گرفته بودند و مابقی بیش از یکبار موفق به دریافت وام از صندوق شده بودند که عموماً این وام دریافتی را در زمینه‌های دامپروری و زراعت (65 درصد) مورد استفاده قرار دادند.

¹ - Interval of Standard Deviation from the Mean



نگرش زنان روستایی در مورد عضویت در صندوقها

به منظور ارزیابی کیفی نگرش متخصصان با استفاده از روش ISDM سطوح نگرش به چهار طبقه تقسیم شد که وضعیت نگرش در جدول 1 آمده است.

جدول 1- وضعیت نگرش زنان روستایی مورد مطالعه نسبت به عضویت در صندوقها

نگرش	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
منفی ($A \leq 3/02$)	25	18/5	18/5
نسبتاً منفی ($3/02 \leq B \leq 3/56$)	30	22/2	40/7
نسبتاً مثبت ($3/56 \leq C \leq 4/11$)	56	41/5	82/2
مثبت ($4/11 \leq D$)	24	17/8	100

با توجه به اطلاعات جدول فوق در مجموع بیش از نیمی از زنان روستایی عضو صندوقهای اعتبارات خرد (59/3 درصد) نگرش مثبت و کمتر از نیمی از آنها (40/7 درصد) نگرش منفی نسبت به عضویت در این صندوقها داشتند. گویه‌های سنجش نگرش زنان عضو نسبت به عضویت در صندوقهای خرد زنان مطابق با جدول 2 بیان شده است. همانگونه که رتبه این گویه‌ها با توجه به ضریب تغییرات حاصل بازگو می‌کند، کسب اعتماد بیشتر افراد عضو نسبت به اعضای خانواده نیز با ضریب تغییرات 0/202 و قبول رشد اجتماعی - اقتصادی زنان با کار بیرون از خانه با ضریب 0/208، دارای بیشترین میانگین رتبه‌ای (میزان موافقت) یا توافق بین پاسخگویان می‌باشد و بر این اساس این گویه‌ها در رتبه‌های اول و دوم قرار گرفته‌اند که بیانگر نگرش تقریباً موافق زنان روستایی عضو نسبت به این موضوعات است. همچنین گویه اطمینان از توانایی خود جهت انجام فعالیت‌های خارج از خانه با کمترین میانگین (3/14) و مقدار ضریب تغییرات 0/339 آخرین رتبه را به خود اختصاص داده است.

جدول 2- رتبه‌بندی گویه‌های نگرشی زنان روستایی نسبت به عضویت در صندوقها

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه
1	0/202	0/711	3/526	عضویت در صندوقهای اعتبارات خرد زنان باعث شده که اعتماد بیشتری نسبت به اعضای خانواده خود کسب کنم.
2	0/208	0/740	3/556	نگرش من در مورد اهمیت کار بیرون از منزل جهت رشد اجتماعی - اقتصادی زنان بهتر شده است.
3	0/213	0/771	3/622	عضویت در این صندوقها باعث افزایش اطمینان از توانایی خود برای انجام دادن کارهای منزل می‌شود.
4	0/215	0/740	3/444	عضویت در این صندوقها باعث افزایش مشورت دوستان و آشنایان در تصمیم‌گیریها با من شده است.
5	0/225	0/880	3/904	از اینکه عضو این صندوق شده‌ام احساس خوب و لذت بخشی دارم.
6	0/23	0/823	3/585	عضویت در این صندوقها باعث افزایش اعتماد بنفس من شده است.
7	0/25	0/894	3/57	به این نتیجه رسیده‌ام که انجام فعالیتها در قالب کارهای گروهی بهتر به نتیجه می‌رسد.
8	0/261	0/894	3/43	عضویت در صندوق موجب افزایش احساس استقلال در انجام فعالیت‌های افراد می‌گردد.
9	0/339	1/066	3/141	صندوق باعث کسب اطمینان از توانایی خود جهت انجام فعالیت‌های خارج از خانه می‌شود.



در قسمت آمار تحلیلی، همبستگی هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته یعنی نگرش زنان روستایی نسبت به عضویت در صندوق های اعتبارات خرد مورد بررسی قرار گرفت که نتایج در قالب جدول شماره 3 ارائه شده است.

جدول 3- وضعیت تحلیل همبستگی متغیرهای تحقیق

سطح معنی داری (sig)	ضریب همبستگی (rs)	متغیرهای مستقل
0/014	-0/211	سن
0/773	0/025	سطح تحصیلات زنان عضو
0/885	-0/013	وضعیت تأهل زنان عضو
0/000	0/761	سطح تحصیلات همسر
0/017	0/205	تعداد افراد خانوار
0/000	0/456	مدت زمان عضویت در صندوق
0/005	-0/238	مقدار سرمایه اولیه
0/476	-0/062	تعداد دفعات دریافت وام
0/216	0/107	تعداد دفعات شرکت در جلسات
0/430	0/069	تعداد دفعات شرکت در کلاسهای آموزشی صندوق

همچنین برای بررسی تأثیر متغیرهایی چون شغل همسر، نوع عضویت در صندوق و زمینه استفاده از وام بر روی نگرش زنان به عضویت با توجه به ماهیت متغیرهای مستقل (بیش از دو سطح) و ترتیبی بودن متغیر نگرش از آزمون کروسکال والیس استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون نشان داد که بین متغیرهای شغل همسر و زمینه استفاده از وام دریافتی با نگرش زنان نسبت به عضویت در این صندوق ها در سطح یک درصد رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد اما بین نوع عضویت زنان با متغیر وابسته تحقیق رابطه ای به دست نیامد (جدول 4).

جدول 4- بررسی مقایسه ای میانگین نگرش زنان روستایی نسبت به عضویت در صندوق ها

سطح معنی داری (sig)	درجه آزادی	کای اسکویر	متغیر مستقل
0/004	4	15/28	شغل همسر
0/190	2	3/31	نوع عضویت زنان در صندوق
0/004	5	17/11	زمینه استفاده از وام دریافتی

به منظور ارزیابی تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نگرش زنان روستایی نسبت به عضویت در صندوق های اعتبارات خرد روستایی، از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد. نتایج حاصله بیانگر آن است که به ترتیب متغیرهای تحصیلات همسر، تعداد دفعات دریافت وام، مدت زمان عضویت در صندوق، نوع عضویت در صندوق، سن و تحصیلات اعضای صندوق وارد معادله رگرسیونی شده که این متغیرها 73 درصد ($R^2=0/738$) از تغییرات در نگرش زنان روستایی نسبت به عضویت در صندوق های اعتبار خرد را تبیین می کنند. ضمن اینکه مدل رگرسیونی با مقدار ($F=60/08$) و معنی داری ($Sig=0/000$) کاملاً معنی دار است (جدول 5).



جدول 5- ضرایب رگرسیون چندگانه به روش گام به گام

متغیر	ضریب غیراستاندارد (B)	ضریب استاندارد شده (Beta)	مقدار t محاسبه شده	سطح معنی داری (sig)
ضریب ثابت (constant)	24/86	-	12/41	0/000
تحصیلات همسر	2/37	0/50	7/66	0/000
تعداد دریافت وام	2/06	0/27	4/43	0/000
مدت عضویت در صندوق	0/50	0/17	3/33	0/001
نوع عضویت در صندوق	1/25	0/12	2/56	0/011
سن عضو	-0/07	-0/16	-2/93	0/004
تحصیلات عضو	-0/37	-0/11	-2/17	0/032

R=0/859 R2= 0/738 Rad= 0/726 F= 60/08 Sig= 0/000

چنانچه در جدول 5 آمده است، متغیر تحصیلات همسر با مقدار بتای 0/50، بیشتر از بقیه متغیرها در تبیین واریانس نگرش پاسخگویان تأثیرگذار می باشد. این مقدار نشان می دهد که با یک واحد تغییر در انحراف معیار متغیر سطح تحصیلات همسر زنان عضو صندوق ها، 0/50 واحد در انحراف معیار نگرش زنان تغییر ایجاد می شود. تعداد دفعات دریافت وام با مقدار بتای 0/27، مدت عضویت در صندوق با مقدار بتای 0/17، سن زنان عضو با مقدار بتای 0/16، نوع عضویت در صندوق و تحصیلات اعضای صندوق به ترتیب با مقدار بتای 0/12 و 0/11 از نظر تأثیرگذاری در تبیین تغییرات نگرش پاسخگویان در ردیف های بعدی قرار دارند. در هر حال اهمیت متغیر تحصیلات همسران زنان عضو این صندوق ها در تبیین تغییرات نگرش نسبت به عضویت زنان روستایی به میزان چشم گیری از سایر متغیرها بالاتر است و نمی توان نقش آن را نادیده گرفت.

بحث

همانگونه که مشخص شد بررسی نگرش زنان روستایی شهرستان زابل نسبت به عضویت در صندوق های خرد زنان روستایی بیانگر این امر بود که بیش از نیمی از زنان روستایی عضو صندوق های اعتبارات خرد (59/3 درصد) نگرش مثبت و کمتر از نیمی از آنها (40/7 درصد) نگرش منفی نسبت به عضویت در این صندوق ها داشتند. این نتیجه می تواند بیانگر این قضیه باشد که زنان روستایی منطقه تقریباً دیدگاهی مثبت به افزایش مشارکت و نقش اجتماعی زنان دارند و کار در قالب گروه را مناسب می دانند. نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام نشان داد که بین تحصیلات همسران اعضای صندوق های خرد زنان روستایی با نگرش زنان عضو رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد، که این امر نشان می دهد هر چه تحصیلات همسران زنان عضو بیشتر باشد با عضویت زنان خود در این صندوق ها موافقت بیشتری دارند و زنان نیز با خیالی آسوده تر به فعالیت در این صندوق ها می پردازند که این نتیجه با یافته تحقیق موحد و همکاران (1384) مطابقت دارد.

بین تعداد دریافت وام با نگرش زنان نسبت به عضویت در صندوق های اعتبارات خرد نیز رابطه مثبت و معنی داری وجود داشت که این امر نیز خود بازگوکننده این است که هرچه مقدار وام دریافتی از صندوق بیشتر باشد به علت اینکه اعضای صندوق ها می توانند از این وام در زمینه های مختلف استفاده کنند نگرش آنها به این صندوق ها هم بهتر می باشد.



بررسی رابطه بین متغیرهای مدت عضویت و نوع عضویت اعضاء در صندوق های اعتبارات خرد نشان داد که بین این عوامل با نگرش زنان روستایی نسبت به عضویت در این صندوق ها رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. یعنی هرچه از عضویت اعضاء بگذرد نگرش آنان نسبت به عضویت بهتر می شود که می توان علت را در تأثیرات روحی-روانی این عضویت دانست. رابطه مثبت نوع عضویت اعضاء نیز بیانگر این مطلب است که هر چه عضویت اعضاء از شکل عادی آن خارج شود نگرش آنها نسبت به عضویت در صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی به مراتب بهتر خواهد شد.

نتیجه دیگری که از این تحقیق حاصل شد وجود رابطه منفی بین سن اعضاء و تحصیلات آنان با نگرش نسبت به عضویت در صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی بود. علت رابطه منفی سن با نگرش زنان نسبت به عضویت را می توان در تفکرات سنتی غالب بر آنان در خصوص نقش غیراجتماعی زنان دانست. این یافته با نتیجه تحقیق کردی (1385) همسو می باشد. در خصوص رابطه منفی تحصیلات نیز که همسو با یافته تحقیقات کردی (1385)، موحد و همکاران (1384) و آقا احمدی و میرمحمدی (1387) می باشد، می توان علت را در افزایش توقعات و سطح انتظارات زنان با افزایش تحصیلات آنان دانست. بطوری که با افزایش تحصیلات آنان انتظار کار در محیط هایی رسمی تر و با حقوق و مزایای بیشتر را طلب می کنند و عضویت در صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی را در شأن و شخصیت خود نمی دانند.

با توجه به نتایجی که از این تحقیق بدست آمد پیشنهاداتی به قرار زیر قابل ارائه می باشد:

- با توجه به نگرش منفی تعداد کثیری (قریب به نیمی از زنان مورد مطالعه) از زنان، شایسته است تا در قالب تحقیق جداگانه علل مترتب بر این وضع بررسی و تعیین گردد.

- با توجه به نقش غیر قابل انکار همسران زنان در میزان نگرش آنها، ضروری است تا با برگزاری دوره های آگاه سازی و ارشادی نظیر کلاس های آموزشی نسبت به تغییر دیدگاه همسران زنان در خصوص صندوق اعتبارات خرد اقدامات لازم معمول گردد.

- بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل، تمهیداتی اتخاذ گردد تا ضمن بازبینی روند اخذ وام، تنوع در وامها ایجاد و شرایط اخذ آن سهل و ممکن گردد.

- از آنجاکه افراد با مدت عضویت بیشتر زغبت بالایی به مشارکت در صندوق دارند لذا پیشنهاد می شود در قالب جلسات همفکری نسبت به انتقال تجارب افراد با سابقه همکاری بیشتر به افراد جدید ورود اقدامات لازم معمول گردد.

- پیشنهاد می شود در راه اندازی صندوق های جدید از افراد کم سن و با تحصیلات در حد متوسطه استفاده شود.

منابع مورد استفاده

- 1- آقا احمدی، ق. و میرمحمدی، ف. (1387). تحلیلی جامعه شناختی از نگرش زنان نسبت به مالکیت شخصی (مطالعه موردی: نگرش زنان شهرستان های نوشهر و چالوس). پژوهش نامه علوم اجتماعی. شماره 18: 95-72.
- 2- ازکیا، م. (1387). جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران. چاپ هشتم. تهران: انتشارات اطلاعات.
- 3- الوانی، م. و زرغامی فرد، م. (1380). نقش زنان در توسعه. مجله تدبیر. 113: 51-43.
- 4- بختیاری، ص. (1384). مفاهیم، تعاریف و سابقه اعتبارات خرد با نگاهی به عملکرد بانک کشاورزی. مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی. تهران، مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی، 20-19 آذر: 17.
- 5- رحمانی، م.؛ رفیع پور گاوگانی، س.؛ زند رضوی، س.؛ ادیبی، م. و ربانی، ع. (1389). اثر اعتبارات خرد بر مدیریت بحران (مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنان روستای پشت رود بم). فصلنامه روستا و توسعه. 3 (13): 75-51.
- 6- رحمانی اندیلی، ص. (1380). مروری بر شکل گیری و عملکرد صندوق های قرض الحسنه روستایی و جایگاه آن در نظام اعتبارات روستایی. مجله جهاد. 241-240: 54-32.
- 7- رستمی، ف. (1385). زنان روستایی و صندوق اعتبارات خرد. ماهنامه پیام زن. 173: 56-48.



- 8- رکن الدین افتخاری، ع. و عینالی، ج. (1384). ارزیابی اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه اقتصادی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای حوزه آبریز رودخانه خرابود شهرستان خداآینده). *فصلنامه پژوهش نامه بازرگانی*. 9 (34): 179-188.
- 9- طالب، م. و نجفی اصل، ز. (1386). پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب کبری (س) در روستاهای بوئین زهرا. *فصلنامه روستا و توسعه*. 3 (10): 1-24.
- 10- علاءالدینی، پ. و جلالی موسوی، آ. (1389). ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد و صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ایران. *ماهنامه توسعه روستایی*. 2 (2): 61-75.
- 11- علیایی، م.ص؛ رضوانفر، ا. و اکبری، م. (1388). تحلیل عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر سهم زنان روستایی از درآمد خانوار (مطالعه موردی شهرستان دیواندره). *مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی*. 16 (1): 12-25.
- 12- فرجی سبکبار، ح. خاکی، ا. و نعمتی، م. (1388). ارزیابی نقش ICT در توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: روستای قرن آباد). *نشریه انجمن جغرافیای ایران*. 22 (7): 159-173.
- 13- فعالیت، و. و خارقانی، ن. (1388). بررسی تأثیر وامهای خرد بر اشتغال. *ماهنامه کار و جامعه*. 117: 28-47.
- 14- فقیری، م. (1390). *بررسی اثربخشی صندوق های اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه*. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه ترویج و آموزش کشاورزی، محل انتشار: دانشگاه رازی کرمانشاه.
- 15- کردی، ح. (1385). عوامل مؤثر در نگرش زنان به مشارکت سیاسی در استان گلستان (مطالعه موردی: شهرستان گنبدکاووس). *مجله مطالعات اجتماعی ایران*. 1 (1): 111-123.
- 16- کوشکی، ف؛ ایروانی، ه. و کلانتری، خ. (1390). عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق های اعتبارات خرد روستایی (مطالعه موردی استان کرمانشاه). *فصلنامه روستا و توسعه*. 14 (1): 15-33.
- 17- مریدسادات، پ. اسدی، ع. و صادقی، ف. (1386). بررسی اثربخشی طرح تسهیلات زن روستایی در شهرستان دماوند. *مجله علوم کشاورزی ایران*. 38 (2): 301-310.
- 18- معظمی، م؛ رحیمی، ع. و طائفه حیدری، ا. (1384). ارزیابی پوشش و پایداری برنامه های اعتبارات خرد (مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی). *مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی*. مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی، تهران، 20-19 آذر ماه: 309-315.
- 19- موحد، م؛ عنایت، ح. و گرگی، ع. (1384). عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر نگرش زنان نسبت به نابرابری های جنسیتی. *پژوهش زنان*. 3 (2): 95-113.
- 20- نادری مهدی، ک. (1381). اعتبارات، سرمایه و توسعه صنایع روستایی. *مجله جهاد*. 4: 34-38.
- 21- یعقوبی، ج. (1384). بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان. *پژوهش زنان*. 3 (1): 125-130.

22- Bhuijail, A. & Sampa, P. (2005). "Development of Rural Women through Education and Empowerment". Dehli: Abhijeet Pub.

23- Chen, M.A. & Snodgrass, D. (2001). "Managing Resources, Activities, and Risk In Urban India: The Impact of SEWA Bank". Washington D.C: AIMS, September 2001.

24- Dunn, E. & Arbuckle, J.G. (2001). "Microcredit and Microenterprise Performance: evidence from Peru". *Small Enterprise Development*, 12: p22.

25- FAO (2006). "Rural development through diversification of jobs and incomes". focus on gender-responsive micro finance. Report of the 19th Expert Meeting on Gender and Rural Development. FAO/ECA Working Party on Women and Family in Rural Development, 25-29 September.

26- Hulme, D. & Mosley, P. (1996). "Finance Against Poverty". vol 1. and 2, Routledge: London.



27- Pitt, M.M. & Khandker, S. (1998). "The Impact of Group - Based Credit Programs On Poor Households In Bangladesh: Does The Gender of Participants Matter? ". Journal of Political Economy.



Analysis of womens attitudes of Zabol city towards members in the rural's micro-credit funds

Gholam Abbas Mollashahi^{*1}, Hosein Yadavar²

¹ Faculty of Agriculture, Tabriz University, Tabriz, Iran, ²Dept. of Extension and Rural Development, Faculty of Agriculture, Tabriz University

Abstract

Today, many countries, including Iran, to improve the conditions of women, both urban and rural, different strategies have been implemented. One of these strategies is to allocate funding, particularly in rural communities Micro-credit fund for this purpose including financing programs for rural women is that since 2000 has been on the agenda of the Ministry of Agriculture. In many Third World countries, strategies for removing barriers to women's participation in development practice is adopted, empowering women of the same guidelines that take advantage of the benefits and consequences of women's development programs do not require the active participation of the implementation of the program and development projects. The aim of the present study was to investigate the attitudes of rural women membership micro-credit funds in the city of Zabol. This survey research descriptive correlational. The population of its 275 member rural women micro- credit funds were available in the rural city of Zabol. Than the number 135 using Cochran formula and the sampling were selected randomly. And content validity the questionnaire was confirmed by experts at Women's Agricultural Jihad Zabol city and its reliability using Cronbach's alpha coefficient using SPSS 19 software with 85/0 respectively. The results of this study showed that in general, rural women in the study (59.3%) had a positive attitude towards membership of the micro-credit fund for rural women had. It was clear that the various factors, the member spouse's education fund, the fund's loan number, duration and type of membership in the Fund's membership in the Fund with the attitude of women to membership in the fund significant positive correlation was seen between age women their education and women's attitudes and there was a significant negative relationship.

Key Words: attitude, micro-credit, micro-credit funds, womens, Zabol city.